

انجیل دیگری نیست

درس ۴: پولس با پطرس مخالفت می کند

درک توماس

مجدداً خوش اومدید. این جلسه‌ی چهارم هست و ما در بخش دوم از باب ۲، از آیات ۱۱ تا ۲۱ هستیم. همون طور که در پایان جلسه‌ی قبلی گفتیم، این لحظه‌ی «دوئل» بین پولس و پطرسه.

وقتی سال‌ها پیش نوجوون بودم، به سریال علمی تخیلی بود که اسمش دکتر هو بود؛ و بعد از اون، بازسازی شد. به ماشین زمان داشت که به اصطلاح اسمش تاردیس بود. این یه جعبه‌ی پلیس بود که واردش می‌شدید و می‌تونستید به گذشته برگردید و الی آخر. من اغلب تعجب می‌کنم که اگه می‌تونستم به زمان خاصی برگردم، البته غیر از ملاقات با عیسی؛ بیایید اینو حذف کنیم؛ شما کجا می‌رفتید؟ دوست دارید چه رویدادی رو ببینید؟ به نظرم، من دوست داشتم یک گوشه کنار دیوار انطاکیه باشم که یه نمایشی بین پولس و پطرس وجود داشت؛ و اینجا به ما می‌گه با پطرس روبرو شد.

پس بیایید اینو بررسی کنیم؛ و پولس در بخش اول، ۱۱ تا ۱۴، روایت تاریخی اتفاقات رو به ما می‌گه و بعد در آیه‌ی ۱۵ تا آخر باب، یه انعکاس الهیاتی درباره‌ی علت این رویداد و علت اینکه به این شکل اتفاق افتاد، به ما می‌ده. این مسئله بین پطرس و کلیسای انطاکیه‌آس. کلیسای انطاکیه، مرکز مأموریت بود. وقتی جفا به اورشلیم رسید و بعضی از مسیحیان از اورشلیم فرار کردند و بعضی به انطاکیه و به شمال رفتند؛ و از انطاکیه به اولین سفر میسیونری فرستاده شدند و الی آخر؛ پولس بعد از هر سفر میسیونری به انطاکیه گزارش می‌داد.

پس اورشلیم دیگه مرکز مسیحیت نیست، اما انطاکیه و نهایتاً روم، بیشتر به پایه‌ای تبدیل شدند که مسیحیت خودش رو در اون می‌بینه. کلیسای انطاکیه بیشتر غیریهودی بود، البته کلیسای اورشلیم منحصراً از مسیحیان یهودی تشکیل شده بود؛ بنابراین، مسئله‌ای که در درس قبلی در مورد تیطس و ختنه‌ی تیطس دیدیم، در کلیسای اورشلیم اهمیت خاصی داشت. انطاکیه کمی متفاوته. مسئله‌ی ختنه نیست؛ بلکه مسئله‌ی غذاست.

پطرس در انطاکیه‌آس و برای همه کس، همه چیز شده؛ و صدف و میگو و ساندویچ کالباس خوک و گوشت خوک سرخ شده رو با دوستان غیریهودی می‌خوره، تا اینکه افراد سرشناس از اورشلیم میان، افرادی مثل یعقوب و غیره از اورشلیم میان تا اتفاقات کلیسای انطاکیه رو بررسی کنند و ببینند که کلیسای انطاکیه ارتباطش رو با ریشه‌ها و پایه‌ی یهودی از دست داده یا نه. پس تقریباً یه هیئت بازجویی به انطاکیه می‌آد.

و به محض اینکه مردان یعقوب، طبق اشاره‌ی پولس به اون‌ها، از اورشلیم میان، یک‌دفعه پطرس با غیریهودیان غذا نمی‌خوره. فقط با مسیحیان یهودی سر میز غذا می‌خوره و فقط غذای حلال می‌خوره و این چیزها. پولس اینو می‌بینه، دوباره مثل موضوع تیطس، اینو می‌بینه. این فقط مربوط به آزادی مسیحی نیست که باید گوشت خوک بخورید یا نخورید یا باید فقط غذای حلال بخورید یا نخورید.

آیا این واقعاً مهمه؟ این به خود افراد بستگی داره که کاری رو که در وجدانشون درسته انجام بدن. حالا خیلی فراتر از این رفته، این بی‌حرمتی به انجیل بود. بی‌حرمتی به عادل‌شمردگی به‌وسیله‌ی ایمان، اینکه رفتارتون می‌تونه به اعتقادتون آسیب بزنه؛ رفتارتون می‌تونه به اعتبار اعتقادتون آسیب بزنه.

«اما چون پطرس به انطاکیه آمد، او را روبرو مخالفت نمودم زیرا که مستوجب ملامت بود، چونکه قبل از آمدن بعضی از جانب یعقوب، با امت‌ها غذا می‌خورد؛ ولی چون آمدند، از آنانی که اهل ختنه بودند ترسیده، باز ایستاد و خویشتن را جدا ساخت.» چیزی که پولس حالا «اهل ختنه» خطاب می‌کنه، چون در واقع‌ه‌ی تیطس، چنین افرادی بودند، اگرچه به نظر، این بیشتر مربوط به شریعت غذا و این چیزهاست.

او می‌خواد اون‌ها درک کنند که با اصرار بر اینکه غیریهودیان فقط غذای حلال بخورند؛ غیریهودیان رو یهودی می‌کنند، به‌جای اینکه به غیریهودیان اجازه بدن که مسیحی باشند. پس به اصل الهیاتی مهم در خطر و من می‌خوام این اصل رو بررسی کنم. می‌خوام به آیه‌ی ۱۹ تا ۲۱ بریم که قلب این موضوعه: «زانرو که من بواسطه شریعت نسبت به شریعت مردم تا نسبت به خدا زیست کنم. با مسیح مصلوب شده‌ام ولی زندگی می‌کنم لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند. و زندگانی که الحال در جسم می‌کنم، به ایمان بر پسر خدا می‌کنم که مرا محبت نمود و خود را برای من داد. فیض خدا را باطل نمی‌سازم، زیرا اگر عدالت به شریعت می‌بود، هرآینه مسیح عبث مُرد.»

مشخصاً از نظر پولس رسول، انجیل و خلوص انجیل، با رفتار پطرس در انطاکیه در خطر. در تجزیه و تحلیل اهمیت الهیاتی عادل‌شمردگی، عادل‌شمردگی فقط به‌وسیله‌ی ایمان، بدون اعمال شریعت، انجیل به‌وسیله‌ی فیض از طریق ایمانه و باید هیچ افزودنی ملعونی نباشه؛ و افزودنی ملعون در این مورد، اطاعت آیینی از شریعت غذای حلاله؛ و پولس ازشون می‌خواد درک کنند که در واقع، عادل‌شمردگی مستلزم چیه، اینکه اصرار در پیروی از شریعت غذای آیینی، مستلزم یه زیانه. یه مفهوم نامحسوس می‌گه در غیر این‌صورت، واقعاً عادل شمرده نشدند؛ به‌لحاظ عدالت خدا، در رابطه‌ی درست نیستند. پس پولس می‌خواد بگه، وقتی فقط به عیسی ایمان دارید، دقیقاً کی هستید؟

پس اینجا سه بیانیه رو اعلام می‌کنه که نشون می‌ده پولس چطوری ماهیت اساسی انجیل رو درک می‌کنه. اولی در آیه‌ی ۲۰ هست، «با مسیح مصلوب شده‌ام.» من با مسیح مصلوب شده‌ام. من با مسیح مصلوب شده‌ام. می‌دونید، چهار تا چیز روی

صلیب میخکوب شد. عیسی روی صلیب میخکوب شد. به لوحی روی آن بود که در آن به آرامی و عبری و یونانی نوشته شده، «عیسی ناصری، پادشاه یهود.» بر اساس کولسیان باب ۲، گزارشِ قرض‌ها، مثل قبض، قبضِ تلفن، قبضِ برق یا وام مسکن شما، روی صلیب میخکوب شد. این گزارشِ قرض روی صلیب میخکوب شد.

و اینجا، در بخش پایانی باب ۲، پولس می‌گه، «و من بر صلیب میخکوب شده‌ام.» به‌عنوان مسیحی، خودم رو روی صلیب میخکوب می‌بینم. همه‌ی شما که فرزند آدم بودید، وقتی به این دنیا اومدید، این هویت، این هویت آدم مصلوب شد. روی صلیب میخکوب شد. انسانیت آدم رفت. انسانیت آدم مُرد، کل وجودتون؛ جسم و جانتون؛ پس حقیقت انجیل، مسئله‌ی اتحاد و مشارکت با مسیح.

من با مسیح مصلوب شدم. من دیگه آدمِ قبلی نیستم. پولس دیگه سائول طرسوسی نیست. اون شخص مُرد، اون شخص رفت. شاید من همیشه به این اعتقاد نداشته باشم، شاید همیشه این‌طوری رفتار نکنم، اما واقعیت اینه که شما کی هستید؟ این سؤال مهم رو می‌تونید بپرسید، به‌عنوان مسیحی، کی هستید، به‌عنوان کسی که به انجیل ایمان داره، به‌عنوان کسی که عادل شمرده شده، به‌عنوان کسی که ردای بی‌لکه‌ی عدالت مسیح رو پوشیده؟ موضوع اولیه و مهم برای پولس اینه که، «من دیگه انسان قبلی نیستم.»

اون شخص مُرده، اون شخص رفته. این مسئله‌ی مهمی در زمان حاله، مسئله‌ی هویت در فرهنگی که از هویتش مطمئن نیست، به‌عنوان مثال، از هویت جنسی‌اش مطمئن نیست. کل مسئله‌ی فیس‌بوک و این چیزها و اینکه ۶۴ مقوله‌ی متفاوت برای هویت وجود داره؛ و جوانان و نوجوانان باید هویتشون رو پیدا کنند؛ و تعجبی نداره که اون‌ها گم شدند، تعجبی نداره که آشفته‌آن، چون غیرممکنه که بدونید هویتتون چیه، اگه این بر اساس هوس‌ها و تخیلات باشه، نه بر اساس حقیقت محکم خدا و اصول؛ مثلاً در مورد خلقت که خدا ما رو زن و مرد آفرید.

خُب، پولس در این فرهنگ می‌گه مسیحی کیه. مسیحی، دیگه در اتحاد با آدم نیست. انسانیت آدم از بین رفته. من با مسیح مصلوب شدم. دیگه من زندگی نمی‌کنم. این «من» قدیمی، این «من» قدیمی رفته، اما مسیح در من ساکنه. اتحاد با مسیح. من در مسیح، این هویت منه. من در اتحاد و مشارکت با مسیح قیام کرده و صعود کرده‌ام. این مرکز الهیات پولسه. او از این عبارت کوچیک، «این کریستو»، «در مسیح»، ۶۷، ۶۸ مرتبه در جریان نگارشاتش استفاده می‌کنه.

گاهی اوقات من فکر می‌کنم اگه بخوایم به‌عنوان مثال، یکی از رسالات گمشده‌ی پولس رو که به قرن‌تین نوشته، پیدا کنیم، رساله‌ای که بین اول و دوم قرن‌تین نوشته شده، او درباره‌ی نامه‌ی دیگه‌ای صحبت می‌کنه که اول قرن‌تین نیست؛ و ما این نامه رو نداریم. گاهی اوقات نمی‌دونم از کجا می‌فهمید که این نامه کشف شده؟ مثلاً، باستان‌شناسان این طومار رو باز می‌کنند و

این نامه‌ی گمشده‌ی پولس به قرنتیانه و شاید بیشتر از یکی باشد. بعضی از محققان می‌گویند دو نامه‌ی گمشده برای قرنتیان هست.

بعضی می‌گویند، بیش از این‌هاست. شما از کجا می‌فهمید؟ یکی از چیزهایی که می‌تونید به دنبالش باشید، «این کریستو»، در مسیح، هست؛ چون این مرکزشه. پولس نمی‌تونه بنویسه، پولس نمی‌تونه فکر کنه، نمی‌تونه حرکت کنه، نمی‌تونه نفس بکشه، نمی‌تونه موعظه کنه، بدون اینکه به این حقیقت اشاره کنه که قبلاً در آدم بود، اما حالا در مسیح. او در مسیح انسان تازه‌ای شده. این هویت اوست.

به نظرم، جلسه‌ی قبلی رو با این کلام خاتمه دادیم که باید انجیل رو هر روز به خودمون موعظه کنیم و بخشی از انجیل اینه که به خودمون یادآوری کنیم که کی هستیم. وقتی صبح‌ها به دستشویی می‌رید، به آینه نگاه می‌کنید، «آینه، آینه‌ی روی دیوار، کی از همه زیباتره؟» و شما می‌گید، «عیسی.» وقتی به آینه نگاه می‌کنید، عیسی رو می‌بینید، چون در اتحاد و مشارکت با عیسی هستید. این هویت شماست. این هویت شماست و نباید به هویتتون شک کنید. حُب، این اولین چیزه، «من مصلوب شدم.» و بعد، به آیه‌ی ۱۹ برگردید، «نسبت به شریعت مُردم.» «زانرو که من بواسطه شریعت نسبت به شریعت مُردم تا نسبت به خدا زیست کنم.»

حالا می‌تونیم این آیه رو بخونیم و طوری تفسیر کنیم که انگار پولس نمی‌خواست این طوری تفسیر بشه. پولس اینجا درباره‌ی همه‌ی چیزهایی که شخص احتمالاً می‌تونه درباره‌ی شریعت بگه، صحبت نمی‌کنه. او درباره‌ی شریعت در زمینه‌ی مبحث عادل‌شمردگی صحبت می‌کنه، در زمینه‌ی این مبحث صحبت می‌کنه که چطور به نفر می‌تونه در حضور خدا عادل بشه.

پاسخ این سؤال که من چطوری می‌تونم در حضور خدا عادل باشم؛ از طریق اطاعت من از شریعت نیست. حالا، به سؤال متفاوتی رو در شرایط متفاوت و در زمینه‌ی متفاوت می‌پرسید، آیا مسیحیان باید از شریعت اطاعت کنند؟ بله، مسیحیان باید از شریعت اخلاقی، از ده فرمان اطاعت کنند، نه برای اینکه عادل شمرده بشن، بلکه چون عادل شمرده شدیم، چون به خاطر همه‌ی کارهایی که خدا در انجیل برای ما انجام داده، مملو از شکرگزاری و قدردانی هستیم.

اما اینجا، در غلطیان، زمینه برای الوهیت مناسبه. زمینه، عادل‌شمردگی به‌وسیله‌ی ایمانه؛ در عادل‌شمردگی، اطاعت من از شریعت هیچ سهمی نداره. حالا، بدین معنا نیست که اطاعت از شریعت سهمی نداره. این اطاعت من از شریعت نیست؛ بلکه اطاعت عیسی از شریعت. او از شریعت اطاعت کرد تا من مجبور نباشم از شریعت اطاعت کنم.

حقیقت اینه که تلاش من برای اطاعت از شریعت، ویرانگر بود. یکی از جوانب شریعت اینه که این اعطا شده تا ما رو به گناه ملزم کنه. شریعت به خاطر خطاها داده شد. برای آشکار کردن، نشون دادن به ما، بزرگ کردن این حقیقت که ما نمی‌تونیم از شریعت اطاعت کنیم، برای بزرگ کردن گناه‌مونه. شریعت چی می‌گه؟ «مودِس آپورندی» اون چیه؟ حُب، شریعت می‌گه، «این

کار رو بکن تا زندگی کنی.» حالا، به باغ عدن برگردید. این چیزی بود که خدا به صورت منفی به آدم و حوا گفت، «تا زمانی که از این شریعت اطاعت کنید و از درخت دانش نیک و بد نخورید، جایگاه مشروطتون، جایگاهتون مستحکم خواهد بود. شما تا ابد در رابطه‌ی درست با من خواهید بود.»

اما اون‌ها ناطاعتی کردند. اطاعت نکردند. آدم، سرِ فدرال ما بود و همون‌طور که در آدم، همه می‌میرند، در مسیح همه زنده خواهند شد. شریعت، رحم نمی‌کنه. شریعت، سخت‌گیره. شریعت کاملاً متوقع هست و فرمان می‌ده که کاملاً اطاعت کنید. کوچک‌ترین تجاوز از شریعت، مجازات رو به همراه داره. حُب، پولس می‌گه، «نسبت به شریعت مُردم.» به لحظه در تجربه‌هام، نسبت به شریعت مُردم، نسبت به تقاضاهاش مُردم. نسبت به تهدیدهایش مُردم. شریعت دیگه نمی‌تونه من رو تهدید کنه. من نتونستم ازش اطاعت کنم، پس تلاشی نکردم. هیچ چیزی در دستم نیست که بیارم. اطاعتم، تلاش‌هام برای اطاعت از فرامین شریعت رو به حضور خدا نیاوردم.

عملکرد شریعت چیه؟ حُب، یکی از عملکردهاش، عملکرد آموزشیه. اینکه به شما تعلیم بده، نشون بده، آشکار کنه که گناه کارید. از جلال خدا قاصر هستید. فرامین خدا رو زیر پا گذاشتید. شریعت این کار رو کرد. پس پولس در رومیان ۷ می‌گه، شریعت من رو بیش از حد گناهکار کرد. حس گناهی رو که نسبت به خودم داشتم، بیشتر کرد.

حُب، البته همه‌ی این‌ها ضد فرهنگه، چون کسانی که در فرهنگ ما خداشناس هستند، بیایید خداشناسان رو نادیده بگیریم، اون‌ها مشکلات دیگه‌ای دارند، اما کسانی که خداشناس هستند، فکر می‌کنند خدا خوبه. این دیدگاه متداول اون‌هاست. بررسی‌ها بارها آشکار کرده که دیدگاه مردم در مورد خدا اینه که او خوبه و از ما می‌خواد خوب باشیم و همه چیز به خوبی پیش خواهد رفت و همه چیز در آرامش خواهد بود، پس خیلی خودتون رو در این مورد خسته نکنید. اینجا پولس می‌گه، «نه. نجات ما در خطر و برای اینکه نجات پیدا کنیم، شریعت باید اطاعت بشه.» شما نمی‌تونید ازش اطاعت کنید. من نمی‌تونم اطاعت کنم؛ اما عیسی اطاعت کرد.

پس پولس می‌گه، «چطوری خودم رو به‌عنوان یه مسیحی می‌بینم؟ چطوری خودم رو به‌عنوان کسی می‌بینم که در اتحاد با مسیحه؟ خودم رو به‌عنوان کسی می‌بینم که مُرده. یه مرگی در وجودم بود و این مرگ نسبت به انسانیت آدم در منه. من متوجه شدم که از طریق اعمال و کارهای شریعت، عادل‌شمردگی نیست، نجات نیست. پس نسبت به شریعت مُردم. نسبت به فرامینش مُردم. نسبت به تهدیدهایش مُردم. از طریق شریعت، نسبت به شریعت مُردم تا با خدا زندگی کنم.» «با مسیح مصلوب شده‌ام ولی زندگی می‌کنم لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند. و زندگانی که الحال در جسم می‌کنم، به ایمان بر پسر خدا می‌کنم که مرا محبت نمود و خود را برای من داد.»

یادتونه که پولس رساله به رومیان رو در آیات آغازین این طوری شروع کرد و گفت عیسی خودش رو فدای ما کرد، در مرگ فدا کرد، به عنوان جایگزین فدا کرد، به عنوان کسی که احکام شریعت رو به طور کامل اجرا کرد، وقتی ما نتونستیم این کار رو بکنیم. بعد دوباره در آیه ۱۹، به بخش دوم برگردید، «بواسطه شریعت نسبت به شریعت مُردم تا نسبت به خدا زیست کنم.» ما این سؤال رو می پرسیم که شما چطوری باید به خودتون به عنوان مسیحی فکر کنید؟ این در واقعه‌ی پطرس با گوشت خوک در انطاکیه مطرح شد و اینکه اجازه نداد غیریهودیانی که از شریعت حلال یهودی اطاعت نمی کردند، عضو خانواده‌ی خدا باشند. او یه افزودنی ملعون رو معرفی کرد. این ایمان به عیسی، به علاوه‌ی اطاعت از شریعت.

پولس حالا اینو به لحاظ الهیاتی توضیح می ده. او می گه، «این هرگز مربوط به اطاعت ما نیست. عادل شمردگی ما هرگز نمی تونه مربوط به اطاعتمون باشه. بلکه من با خدا زندگی می کنم»، او در پایان آیه ۱۹ می گه. «بله، شکرگزارِ فیضی هستم که در انجیل برای من نمایان شد.

شریعت به من نشون داد که من هرگز نمی تونستم نزد خدا پذیرفته بشم، پس از تلاش کردن دست کشیدم. اما حالا که عادل شمرده شدم، حالا که در جایگاه عدالت و رابطه با خدا هستم، حالا برای خدا زندگی می کنم. برای اطاعت از خدا زندگی می کنم، نه برای عادل شمرده شدن، بلکه چون می دونم عادل شمرده شدم.

من فرزند خدا و وارث خدا و هم ارث با عیسی مسیح هستم. او به من محبت کرد. خودش رو فدای من کرد. او در من ساکنه و من در پاسخ، برای او زندگی می کنم.» این دو مورد رو برعکس کنید؛ و این گونه کل روایت انجیل، کل تعادل انجیل رو واژگون می کنید. ما بدون اعمال، عادل شمرده شدیم، اما با اطاعت از شریعت خدا، به خاطر شکرگزاری از فیضی که دریافت کردیم، تقدیس می شیم. خُب، مثل همیشه، چیزهای بیشتری در مورد مطالب پولس هست؛ و حالا این توضیح الهیاتی، با ورود به باب ۳ و ۴ به طور کامل تر بررسی می شه.